گزارش یک

زهرا چیذری

# محرومیت کاربران ایرانی از ۳۱ درصد دامنه‌های جهانی

## معاون وزیر ارتباطات: بسیاری از این فیلترشکن‌ها با هدف جاسوسی ساخته شده‌اند؛ به طوری که ۸۰ درصد وی‌پی‌ان‌های رایگان نشت اطلاعات دارند

**شاید بشود اسمش را گذاشت فیلترینگ معکوس؛ اینکه حدود ۳۱ درصد از دامنه‌های بین‌المللی به روی ایرانی‌ها بسته است! بنا به تأکید مدیرعامل شرکت ارتباطات زیرساخت، اکثر پلتفرم‌های بزرگ و APها، از APIهای گوگل گرفته تا پلتفرم‌های هوش مصنوعی، برای کاربران ایرانی بسته هستند. حتی بسیاری از پلتفرم‌های غیرامریکایی نیز به دلیل نگرانی از تبعات تحریم‌های امریکا، IPهای ایران را رد می‌کنند و دسترسی کاربران ایرانی به آنها مسدود است. این در حالی است که بخش زیادی از این خدمات، خدمات عمومی و مورد استفاده کاربران نهایی هستند.**

دسترسی به منابع و داده‌ها یکی از مصادیق عدالت در علم و تکنولوژی محسوب می‌شود، اما آپارتاید آشکار علمی و دسترسی برای مردم ایران موجب شده تا دسترسی محققان و پژوهشگران کشورمان به بیش از ۳۰ درصد از دامنه‌های بین‌المللی که اغلب هم کاربرد علمی دارند بسته باشد. موضوعی که نمایانگر فیلترینگ معکوس علیه مردم و پژوهشگران ایرانی است و موجب شده تا دامنه تحریم‌ها حتی در حوزه ارتباطات و فناوری اطلاعات هم نفوذ کند.

**■ تحریم کاربران ایرانی**

بهزاد اکبری، معاون وزیر ارتباطات و مدیرعامل شرکت ارتباطات زیرساخت، در نشستی خبری با اشاره به محدودیت دسترسی کاربران ایرانی به خدمات و پلتفرم‌های بین‌المللی گفت: «در همین راستا، سامانه‌ای برای پایش سایت‌ها و دامنه‌هایی که کاربران ایرانی با آنها مواجه می‌شوند، ایجاد کرده‌ایم. در این سامانه، چند صد هزار دامنه و پلتفرم بزرگ و شناخته‌شده در دنیا را پایش می‌کنیم و بر اساس این پایش، حدود ۳۰ درصد و نزدیک به ۳۱ درصد این دامنه‌ها برای کاربران ایرانی بسته است.»

**■ محرومیت کاربران ایرانی از سرویس‌های جهانی**

بنا به تأکید مدیر عامل شرکت ارتباطات زیرساخت، بخش عمده محدودیت‌ها ناشی از تحریم است. البته بخش کوچکی از این محدودیت‌ها نیز به دلیل آلودگی برخی تجهیزات و دستگاه‌های ایرانی ایجاد شده است؛ به این معنا که بعضی سرویس‌ها به دلیل شناسایی آلودگی گسترده، دسترسی IPهای ایران را مسدود می‌کنند، اما سهم بیشتر مربوط به تحریم‌هاست.

معاون وزیر ارتباطات با اشاره به تأثیر این محدودیت‌ها بر گروه‌های مختلف کاربران گفت: «یک توسعه‌دهنده، محقق یا شهروند عادی که بخواهد از خدمات بین‌المللی استفاده کند، ممکن است با این تحریم‌ها مواجه شود. این در حالی است که بخش زیادی از این خدمات، خدمات عمومی و مورد استفاده کاربران نهایی هستند.»

بنا به تأکید اکبری، عدد ۳۰ درصد عدد بسیار بزرگی است؛ وقتی حدود ۳۰ درصد از خدمات و دامنه‌های دنیا برای کاربران ایرانی محدود شده باشد، این موضوع با شعارهایی که درباره دسترسی آزاد به اطلاعات و خدمات دیجیتال مطرح می‌شود، همخوانی ندارد.

مدیر عامل شرکت ارتباطات زیرساخت با اشاره به همزمانی محدودیت‌های خارجی و داخلی گفت: «کاربران ایرانی از یک طرف با محدودیت‌های بین‌المللی و از طرف دیگر با محدودیت‌های داخلی مواجه هستند و در نتیجه، عملاً چاره‌ای جز استفاده از ابزارهایی که بتواند این محدودیت‌ها را دور بزند، پیدا نمی‌کنند؛ موضوعی که خود مشکلات دیگری برای کاربران ایجاد می‌کند.»

وی با اشاره به مصادیق محدودیت‌ها گفت: «همه پلتفرم‌های پرکاربرد هوش مصنوعی برای کاربران ایرانی بسته هستند و تمامی APIهای گوگل نیز روی IPهای ایران بسته است. همچنین بسیاری از پلتفرم‌ها و بازی‌ها برای کودکان ایرانی نیز مسدود هستند. ما فهرست بلندبالایی از بازی‌هایی داریم که کودکان ایرانی از آنها استفاده می‌کنند، اما این بازی‌ها برای کاربران ایرانی بسته است؛ حتی در مواردی که کاربر ایرانی حاضر است هزینه استفاده از این خدمات را پرداخت کند، باز هم دسترسی او مسدود می‌شود.»

**■ راه‌اندازی شبکه بحران برای حفاظت از سرویس‌های حیاتی**

مدیرعامل شرکت ارتباطات زیرساخت یکی از اقدامات مهم این شرکت در یک سال گذشته را راه‌اندازی شبکه بحران عنوان کرد و گفت: «با توجه به اهمیت زیرساخت‌های ارتباطی کشور، همواره این نگرانی وجود داشت که در صورت از دست رفتن سایت‌های حیاتی، سرویس‌های حساس کشور دچار اختلال شوند. به همین منظور، از نخستین روز جنگ ۱۲ روزه، پروژه شبکه بحران آغاز شد تا در صورت از بین رفتن سایت‌های حساس به هر دلیل، سرویس‌های حیاتی کشور همچنان برقرار بمانند.»

اکبری، ارتباطات صوتی، تراکنش‌های بانکی و برخی خدمات حساس حوزه دیجیتال از جمله خدمات لجستیکی را از مهم‌ترین سرویس‌های حیاتی برشمرد و افزود: «این پروژه که از سال‌ها قبل مطرح بود اما به سرانجام نرسیده بود، در جریان جنگ ۱۲ روزه آغاز شد و در ادامه و در جریان جنگ ۴۰ روزه تکمیل شد و اکنون در حال ارائه خدمت است.»

**■ حفاظت از زیرساخت‌ها در برابر حملات سایبری خارجی**

معاون وزیر ارتباطات درباره تخریب زیرساخت‌های ارتباطی در ایام جنگ تحمیلی گفت: «در آن ایام مهم‌ترین برنامه ما امن و پایدار نگهداشتن سرویس‌های مرتبط با شرکت ارتباطات زیرساخت بود. از این رو حملات دی‌داس از خارج از کشور را به طور مرتب شناسایی و با آن مقابله می‌کنیم و هیچ آسیبی به ارتباطات ما وارد نکرده‌است؛ حتی دو هفته پیش یک حمله بزرگ سایبری به ارتباطات کشور شد که با آن مقابله و دفع شد.»

به گفته اکبری، رخدادهای حملات سایبری به شبکه اینترنت کشور هم از خارج انجام می‌شود هم از داخل؛ به طور متوسط روزانه ۱۵۰ تا ۱۸۰ هزار رخداد امنیتی خارج به داخل و روزانه بین ۲۵۰ تا ۳۰۰ هزار حمله داخل به داخل داریم و حتی در ایام جنگ هم این حملات سایبری کاهش نیافت، بنابراین چنین حجمی از حملات سایبری نشان‌دهنده آلودگی شبکه است.

اکبری علت اصلی آلودگی شبکه ایران را استفاده کاربران از نرم‌افزارهای دارای بدافزار دانست که به دلیل استفاده گسترده از وی‌پی‌ان‌ها رخ داده‌است. از نگاه وی این حجم از آلودگی برای کشور مشکل‌ساز شده‌است، زیرا بسیاری از این فیلترشکن‌ها با هدف جاسوسی ساخته شده‌اند؛ به طوری که ۸۰ درصد وی‌پی‌ان‌های رایگان نشت اطلاعات دارند.

**■ توسعه شبکه بین‌المللی برای افزایش تاب‌آوری ارتباطات**

معاون وزیر ارتباطات با اشاره به اقدامات انجام‌شده برای افزایش تاب‌آوری شبکه بین‌المللی کشور اظهار کرد: «در بخش بین‌الملل، تعداد نقاط حضور شبکه در خارج از کشور افزایش یافته تا مدیریت قطعی لینک‌های بین‌المللی و مقابله با حملات سایبری با انعطاف و تاب‌آوری بیشتری انجام شود. این پروژه حدود یک ماه پیش به بهره‌برداری رسید و توسعه آن در نقاط مهم تبادل ترافیک جهان نیز ادامه خواهد یافت تا شبکه درگاه‌های بین‌المللی کشور فراتر از مرزها توسعه پیدا کند.»

اکبری با تأکید بر اینکه توسعه شبکه بین‌المللی تنها به افزایش ظرفیت ارتباطی محدود نمی‌شود، گفت: «هدف ما این است که حضور شبکه ایران در نقاط مهم تبادل ترافیک جهان افزایش یابد و از ظرفیت ژئوپلیتیکی کشور برای اتصال اکوسیستم دیجیتال منطقه استفاده شود.»

معاون وزیر ارتباطات با اشاره به ظرفیت ژئوپلیتیکی ایران در اتصال شرق و غرب و کشورهای منطقه گفت: «مسیر ایران برای بخشی از ارتباطات منطقه‌ای جایگزین مناسبی ندارد و می‌تواند در کنار مسیرهای موجود، به‌عنوان یک مسیر آلترناتیو برای انتقال داده میان آسیا و اروپا مورد استفاده قرار گیرد. در حال حاضر بخش مهمی از ارتباطات کشورهای حاشیه خلیج فارس با کشورهای شمالی از مسیرهای دریای سرخ، باب‌المندب و کانال سوئز انجام می‌شود، در حالی که مسیر ایران می‌تواند زمان انتقال داده را به میزان قابل توجهی کاهش دهد.»

مدیرعامل شرکت ارتباطات زیرساخت، توسعه فیبرهای دریایی را از دیگر برنامه‌های مهم این شرکت دانست و افزود: «در حال حاضر بخش قابل توجهی از فیبرهای بین‌المللی منطقه بدون مشارکت ایران توسعه یافته‌اند و در خلیج فارس نیز پروژه‌های متعددی در حال اجراست که ایران در آنها سهمی ندارد.» به گفته وی، در دو سال گذشته مذاکرات متعددی با کنسرسیوم‌ها، کشورها و اپراتورهای منطقه انجام شد و برای اجرای چهار تا پنج فیبر دریایی در خلیج فارس، توافق‌های دوجانبه‌ای شکل گرفت که حتی به مرحله توافق نیز رسید، اما وقوع جنگ تحمیلی موجب توقف این پروژه‌ها شد.

وی ابراز امیدواری کرد با بازگشت شرایط به وضعیت عادی، این پروژه‌ها با جدیت دنبال شوند و گفت: «توسعه فیبرهای دریایی علاوه بر افزایش پایداری ارتباطات بین‌المللی کشور، امکان ایفای نقش مؤثرتر ایران در شبکه ارتباطی منطقه را فراهم می‌کند.»

گزارش

سجاد آذری

## ۱۵۳۵ مدیر متخلف در مناصب شرکت‌های دولتی

**خبر عضویت غیرقانونی هزار و ۵۳۵ نفر در هیئت‌مدیره شرکت‌های دولتی، خبری درباره چند تخلف پراکنده و موردی نیست؛ این عدد از وجود یک جرم مستمر و تخلفی حکایت دارد که تا زمان ادامه حضور افراد فاقد شرایط قانونی در جایگاه‌های مدیریتی، آثار آن نیز استمرار خواهد داشت. مسئله فقط این نیست که چه کسانی بر صندلی هیئت‌مدیره نشسته‌اند؛ مسئله این است که در تمام مدتی که این افراد در جایگاه غیرقانونی خود حضور داشته‌اند، تصمیم‌هایی درباره اموال عمومی، قراردادها، سرمایه‌گذاری‌ها و منابع شرکت‌های دولتی گرفته می‌شود و هزینه این وضعیت مستقیماً متوجه کشور و بیت‌المال است.**

وقتی رئیس قوه قضائیه اعلام می‌کند هزار و ۵۳۵ نفر به‌صورت غیرقانونی در هیئت‌مدیره شرکت‌های دولتی عضویت داشته‌اند و فقط برخی از آنها پس از تذکر استعفا کرده‌اند، نمی‌توان ماجرا را به چند حکم اداری یا یک تخلف شکلی تقلیل داد. عضویت در هیئت‌مدیره شرکت دولتی، تصدی یک جایگاه تصمیم‌ساز است؛ جایگاهی که فرد در آن درباره بخشی از سرمایه و دارایی متعلق به مردم تصمیم می‌گیرد.

از همین رو، اگر مبنای قانونی برای تصدی این سمت وجود نداشته باشد، استمرار حضور فرد در آن جایگاه را باید یک وضعیت ادامه‌دار دانست؛ وضعیتی که هر روز تداوم آن می‌تواند آثار مالی و مدیریتی تازه‌ای ایجاد کند. به عبارت روشن‌تر، تخلف وقتی پایان می‌یابد که وضعیت غیرقانونی پایان پیدا کند، نه صرفاً زمانی که درباره آن تذکر داده شود.

**■ هر تصمیم، یک اثر مالی برای کشور دارد**

هیئت‌مدیره فقط یک عنوان روی سربرگ شرکت نیست. اعضای آن در تصمیم‌گیری درباره بودجه، قراردادهای کلان، سرمایه‌گذاری، خرید و فروش، تسهیلات و مسیر فعالیت شرکت نقش دارند. بنابراین، حضور فرد فاقد شرایط در چنین جایگاهی، تنها اشغال غیرقانونی یک صندلی نیست، بلکه به معنای سپردن بخشی از فرآیند تصمیم‌گیری اقتصادی کشور به فردی است که اساساً نباید در آن موقعیت قرار داشته باشد.

اگر حتی بخشی از تصمیم‌های اتخاذشده در این دوره ناکارآمد بوده باشد، هزینه آن می‌تواند به مراتب بزرگ‌تر از حقوق یا حق‌جلسه یک مدیر باشد. یک قرارداد نامناسب، یک سرمایه‌گذاری اشتباه یا یک تصمیم مدیریتی ضعیف می‌تواند منابعی بسیار بیشتر از دریافتی یک عضو هیئت‌مدیره را به هدر دهد. و همه این‌ها در حالی است که معمولاً افراد نه به دلیل سابقه قبلی، بلکه به دلیل تعارض منافعی که ممکن است به دلیل عضویت در هیئت‌مدیره شرکت دولتی با فعالیت خصوصی آنها وجود داشته باشد، از اشتغال در این مشاغل منع می‌شوند. به این معنا که فرد به دلیل اینکه می‌تواند با تصمیم‌سازی، منافع اقتصادی برای خود رقم بزند، از حضور در این شغل منع می‌شود؛ مثلاً همین که به شکل معمول همواره رئیس سازمان غذا و دارو خود از صاحبان شرکت‌های دارویی است، مشخص است که می‌تواند تصمیمات خاصی اتخاذ کند که منافع اقتصادی برای خود داشته باشد یا حتی به واسطه رانت اطلاعاتی که دارد، تصمیمی بگیرد که از اتفاقات آینده بهره ببرد.

**■ مشکل، سازوکاری است که ادامه اجازه این وضعیت را می‌دهد**

نگران‌کننده‌تر از خود این عدد، این پرسش است که چگونه چنین تعداد بالایی از افراد توانسته‌اند وارد جایگاه‌های ممنوع یا غیرقانونی شوند و حتی در آن باقی بمانند! اگر قانون شرایط مشخصی برای تصدی این سمت‌ها تعیین کرده، دستگاه‌های مسئول باید پیش از انتصاب، هنگام انتصاب و در طول دوره فعالیت، صلاحیت افراد را بررسی کنند.

استمرار چنین وضعیتی نشان می‌دهد خلأ فقط در رفتار برخی افراد نیست؛ بلکه در نظام کنترل و نظارت نیز اشکالی وجود دارد. وقتی یک فرد می‌تواند برخلاف قانون در هیئت‌مدیره یک شرکت دولتی قرار بگیرد و حتی در مواردی در چند شرکت سمت داشته باشد، این پرسش جدی مطرح می‌شود که چه کسی باید از ابتدا مانع این انتصاب می‌شد و چرا نهادهای نظارتی بابت کم‌کاری خود مورد بازخواست قرار نمی‌گیرند!

**■ بیت‌المال، قربانی نهایی مدیریت غیرقانونی**

این ماجرا را باید در کنار وضعیت اقتصادی شرکت‌های دولتی دید. در شرایطی که طبق اعلام دیوان محاسبات، تنها حدود نیمی از ۳۴۲ شرکت دولتی سودده هستند. بنابراین در شرایطی که بخشی از بنگاه‌های دولتی خود با مشکل بهره‌وری و سودآوری مواجه‌اند، ادامه حضور مدیران فاقد شرایط قانونی می‌تواند ریسک اتلاف منابع عمومی را افزایش دهد.

شرکت دولتی متعلق به یک مدیر، یک وزارتخانه یا یک هیئت‌مدیره نیست؛ سرمایه آن متعلق به مردم است. هر تصمیم اشتباه، هر مدیریت ناکارآمد و هر جایگاه غیرقانونی، در نهایت می‌تواند هزینه‌ای برای مردم ایجاد کند.

بنابراین، موضوع هزار و ۵۳۵ عضو غیرقانونی هیئت‌مدیره نباید با استعفای تعدادی از افراد مختومه تلقی شود. باید روشن شود این افراد چه مدت در این سمت‌ها بوده‌اند، چه دریافتی داشته‌اند و تصمیم‌های آنها چه آثار مالی بر شرکت‌ها گذاشته‌است. صیانت از بیت‌المال فقط کشف اختلاس پس از وقوع نیست؛ جلوگیری از استمرار مدیریت غیرقانونی نیز بخشی از مبارزه با فساد است.

وقتی بیش از هزار و ۵۰۰ نفر در جایگاه‌هایی قرار گرفته‌اند که طبق اعلام رسمی، حضورشان غیرقانونی بوده‌است، با یک تخلف ساده و تمام‌شده مواجه نیستیم؛ با وضعیتی روبه‌رو هستیم که هر روز استمرار آن می‌تواند هزینه تازه‌ای به کشور تحمیل کند. مسئله امروز فقط بازگرداندن این صندلی‌ها به مسیر قانونی نیست؛ مسئله، پاسخگویی درباره هزینه‌ای است که در تمام مدت این تصدی‌های غیرقانونی از جیب بیت‌المال پرداخت شده‌است.

گزارش ۲

مهسا گربندی

در گردهمایی ۱۵۰۰ مدیر مدارس شهر تهران مطرح شد

# مدرسه در خط مقدم تغییر

## وزیر آموزش و پرورش از تغییر ساختار ۴۶ ساله نظام آموزشی گفت و مدیرکل آموزش و پرورش تهران نیز، عدالت، کیفیت و هویت را ۳ محور اصلی سال تحصیلی جدید دانست

**حدود یک هفته تا شروع سال تحصیلی جدید باقی مانده. در سالن اجلاس سران، صندلی‌ها یکی یکی پر شد، این‌بار نه برای یک مراسم معمول اداری، بلکه برای گردهمایی مدیرانی که قرار است بخش مهمی از تحولات نظام آموزشی در مدرسه‌هایشان رقم بخورد.**

روز گذشته، هزار و ۵۰۰ مدیر مدرسه شهر تهران در آستانه بازگشایی مدارس گرد هم آمدند تا هم گزارشی از وضعیت آموزش و پرورش پایتخت بشنوند و هم برای آغاز سال تحصیلی جدید هماهنگ شوند، نشستی که حضور وزیر آموزش و پرورش، مدیرکل آموزش و پرورش شهر تهران، معاون استاندار و فرماندار تهران، به آن رنگ و بوی جدی‌تری داد. با توجه به حضور حدود ۳ هزار مدیر مدرسه در تهران و ظرفیت ۱۵۰۰ نفری سالن اجلاس، این گردهمایی در دو روز برگزار می‌شود.

**■ مدرسه، میدان اصلی یک نبرد فرهنگی**

علیرضا کاظمی، وزیر آموزش و پرورش، در این گردهمایی سخنان خود را از جایگاه مدرسه در شرایط امروز آغاز کرد، جایی که به گفته او، مسئله آموزش دیگر صرفاً به کتاب درسی و کلاس درس محدود نمی‌شود.

کاظمی با اشاره به آنچه تهدیدهای فرهنگی و هویتی علیه نسل جوان خواند، گفت: «میدان اصلی جنگ در جنوب کشور نیست، بلکه مدارس مهم‌ترین میدان اصلی جنگ با دشمن است که استکبار جهانی به دنبال آن است تا از این روش دیدگاه و نگاه نسل جوان و آینده‌ساز این کشور را تغییر دهد.» او در ادامه، مدارس را یکی از عرصه‌های اصلی مواجهه با امریکا دانست: «با تمام اعتقاداتم می‌گویم، امروز مدارس میدان اصلی جنگ با امریکا هستند.» از نگاه وزیر آموزش و پرورش، پاسخ به این شرایط تنها در قالب آموزش رسمی خلاصه نمی‌شود. او تقویت هویت ملی و دینی و ایجاد فضایی شاداب و حماسی در کلاس‌های درس را از وظایف اصلی آموزش و پرورش دانست و استفاده از نمادهایی همچون پرچم را در این مسیر ضروری خواند. کاظمی همچنین برای مدرسه نقشی فراتر از یک فضای آموزشی ترسیم کرد و گفت: «هر مدرسه باید کانون بزرگ فرهنگی و تبلیغی در محله خود باشد.» به گفته او، روایت‌های مقاومت و حضور در میدان نیز می‌تواند در فعالیت‌های فرهنگی مدارس مورد استفاده قرار گیرد.

**■ تغییر ساختار ۴۶ ساله نظام آموزشی**

بخش دیگری از سخنان وزیر آموزش و پرورش به ساختاری اختصاص داشت که به گفته او سال‌ها بدون تغییر اساسی باقی مانده‌است. کاظمی با اشاره به ساختار نظام آموزشی کشور اظهار داشت: «ساختار ۴۶ ساله نظام آموزشی ما دست‌نخورده بوده و اکنون در حال تغییر است.» این تغییر قرار است از پایه‌های مختلف نظام آموزشی آغاز شود. وزیر آموزش و پرورش از بازنگری در ۱۲ پایه تحصیلی و ۹۵۰ عنوان درسی خبر داد و هدف آن را رسیدن به کیفیتی «واقعی و عمیق» عنوان کرد.

در همین چارچوب، او از استقرار «سامانه مدرسه تراز» در مدارس کشور خبر داد، سامانه‌ای که بناست مدیریت مدارس را بر اساس سند مدرسه یکپارچه کند. کاظمی توضیح داد که با طراحی الگوی مدرسه تراز، مدیران به نگاه مشترک، برنامه واحد و الگوی مشخصی برای مدیریت دسترسی خواهند داشت. با این حال، تحول مورد نظر وزیر تنها به محتوای آموزشی محدود نیست. او مسئله نیروی انسانی و فاصله میان آموزش دانشگاهی و نیاز بازار کار را نیز یکی از چالش‌های جدی دانست و خواستار تغییر ساختار سازمانی شد تا به گفته او، از شکل‌گیری «لشکری از فارغ‌التحصیلان بی‌مهارت» جلوگیری شود. در این میان، مدرسه و مدیر مدرسه جایگاه ویژه‌ای در نگاه وزیر آموزش و پرورش داشت. او خواستار افزایش اختیارات مدیران، دسترسی آنها به تجهیزات مناسب و تغییر سازوکار تخصیص منابع شد و گفت بودجه‌ها باید مستقیم‌تر به مدارس برسد و مدیریت منابع انسانی و برنامه‌های آموزشی نیز اختیار بیشتری در سطح مدرسه داشته باشد.

**■ ۳ ویژگی برای مدیرانی که قرار است راهبر باشند**

وزیر آموزش و پرورش در بخش دیگری از سخنانش، مدیران مدارس را صرفاً مجریان دستورالعمل‌های اداری ندانست و از آنها با عنوان «راهبران آموزشی» یاد کرد. به گفته کاظمی، یک مدیر موفق باید سه ویژگی داشته باشد: «ایمان قوی، عشق به کار و جوشش نسبت به مسئولیت.» او در عین حال مدارس را یکی از بخش‌های حیاتی آموزش و پرورش دانست و درباره تلاش دشمن برای اثرگذاری بر این حوزه سخن گفت، موضوعی که از نگاه وزیر، ضرورت تقویت نقش فرهنگی و تربیتی مدیران مدارس را بیشتر می‌کند.

**■ ۵۸ هزار معلم در آستانه سال تحصیلی جدید**

در ادامه این گردهمایی، مجید پارسا، مدیر کل آموزش و پرورش شهر تهران، تصویری از وضعیت آموزش و پرورش پایتخت ارائه کرد، تصویری که در آن هم از برخی دستاوردها سخن گفته شد و هم مشکلاتی که همچنان پیش روی مدارس تهران قرار دارد. پارسا با اشاره به رویکرد دولت چهاردهم در حوزه آموزش و پرورش گفت این دولت کار خود را با شعار تحول در آموزش و پرورش آغاز کرده و مجموعه آموزش و پرورش تهران نیز تلاش کرده‌است این مسیر را دنبال کند.

یکی از موضوعاتی که مدیر کل آموزش و پرورش تهران به آن پرداخت، وضعیت سرانه فضاهای آموزشی بود. به گفته او، با اجرای برنامه‌های مدرسه‌سازی و محرومیت‌زدایی از فضاهای آموزشی با حضور استاندار تهران، وضعیت سرانه آموزشی پایتخت بهبود یافته و تهران که پیش از این در رتبه بیست‌وهشتم کشور قرار داشت، اکنون در جایگاه نوزدهم قرار گرفته‌است. این بهبود اما به معنای پایان مشکلات نیست. پارسا از وجود ۸۰۴ مدرسه نیازمند تخریب و بازسازی در تهران خبر داد و توضیح داد: «اگرچه بخشی از این مدارس مقاوم‌سازی شده‌اند و از نظر اسکلت و سازه شرایط مناسبی دارند، اما از نظر کالبدی با نیازهای امروز دانش‌آموزان تناسب ندارند.»

با این حال، از نگاه مدیر کل آموزش و پرورش تهران، تحول اصلی را باید در جایی فراتر از ساختمان مدرسه جست‌وجو کرد، در همان نقطه‌ای که معلم و دانش‌آموز روبه‌روی یکدیگر قرار می‌گیرند: «فرایند یاددهی و یادگیری.» پارسا این بخش را مهم‌ترین بخش تحول آموزشی دانست: «تغییر در فرایند یاددهی و یادگیری، محور اصلی رویکرد دولت و وزارت آموزش و پرورش است.» او در ادامه از حضور ۵۸ هزار معلم شاغل در مدارس تهران سخن گفت و همه آنها را اعضای یک تیم دانست، تیمی که از اداره کل آغاز می‌شود و تا کلاس درس ادامه پیدا می‌کند. در این ساختار، مدیران مدارس نیز یکی از حلقه‌های اصلی این مجموعه هستند.

**■ مدیر مدرسه، فراتر از بخشنامه**

یکی از بخش‌های قابل توجه سخنان پارسا به شیوه مدیریت مدارس بازمی‌گشت. او معتقد است: «افزایش کیفیت آموزشی با انباشت بخشنامه‌ها و دستورالعمل‌های اداری اتفاق نمی‌افتد.» پارسا با اشاره به جلسات مجازی خود با مدیران مدارس گفت: «در آموزش و پرورش و نظام تعلیم و تربیت، دستورالعمل و بخشنامه ابزار مناسب مدیریتی برای ارتقای کیفیت نیست.» او ادامه داد که مسائل آموزش و پرورش تهران باید با توافق و تفاهم بر سر مسائل پیگیری و رصد شود و افزود: «هیچ‌کس در این جمع، نه مدیران مناطق و نه بنده در اداره کل، این باور را ندارد که با دستورالعمل می‌توان کیفیت را بالا برد.»

در چنین نگاهی، مدیر مدرسه باید از جایگاه یک مجری اداری فاصله بگیرد و به «راهبر آموزشی» تبدیل شود، نقشی که به گفته پارسا، ظرفیت آن در مدرسه وجود دارد.

**■ ۳ واژه برای مسیر آموزش و پرورش تهران**

عدالت، کیفیت و هویت، سه واژه‌ای بود که مدیر کل آموزش و پرورش شهر تهران در سخنانش بارها به آنها بازگشت. پارسا معتقد است تحقق این سه هدف تنها وظیفه مدیران ارشد آموزش و پرورش نیست و هر فرد، متناسب با جایگاه خود، باید در این مسیر سهمی داشته باشد؛ از کلاس درس و مدرسه گرفته تا اداره کل. در این میان، توسعه فردی و توانمندسازی نیز جایگاه ویژه‌ای پیدا می‌کند. پارسا گفت: «مدیر مدرسه ابتدا باید برای توانمندسازی و توسعه فردی خودش برنامه داشته باشد و سپس همین مسیر را برای همکارانش دنبال کند. در سطح اداره کل نیز همین روند باید از مدیران آغاز شود و به سایر بخش‌ها برسد تا کیفیت آموزشی به شکل همه‌جانبه ارتقا پیدا کند.»

**■ پرچم و نقشه ایران در مدارس**

موضوع هویت نیز بخش دیگری از سخنان پارسا بود، موضوعی که او آن را یکی از محورهای اصلی وزارت آموزش و پرورش دانست. او به ارسال پرچم جمهوری اسلامی ایران همراه تجهیزات به مدارس اشاره کرد و گفت: «این اقدام بدون صدور دستور مستقیم و در پی دریافت پیام وزارت آموزش و پرورش انجام شده‌است.» پارسا همچنین به اقدام سال گذشته برای چاپ نقشه ایران و توزیع آن متناسب با مدارس اشاره کرد. در کنار این اقدامات، موضوع «هویت در گذر از برنامه درسی» نیز در قالب یک کتابچه تهیه و در اختیار همکاران قرار گرفته‌است. به گزارش «جوان»، این گردهمایی، تصویری از سال تحصیلی پیش‌رو ترسیم کرد، سالی که قرار است مدرسه در آن، فراتر از اجرای برنامه‌های از پیش تعیین‌شده، به میدان اصلی تحول آموزشی تبدیل شود، جایی که نقش مدیران و معلمان در کیفیت آموزش، پررنگ‌تر خواهد بود. حال باید منتظر ماند و دید این وعده‌ها و برنامه‌ها در آغاز سال تحصیلی، تا چه اندازه در کلاس‌های درس و فضای مدارس تهران خود را نشان خواهد داد.